



قیمت اشتراک سالانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کَافِه
۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

*** سه‌شنبه ۳۰ شهریور ماه قدیم ۱۲۸۵ یزدگردی = ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ هجری = 8. Februar 1916 ***

روزهای تاریخی ایران

مثل مشهور فرانسوی گوید: «خوش‌بخت است آن ملتی که تاریخ ندارد، یعنی ملتی که در راحت و سکون بسر میرد و انقلاب عظیمی، جنگی، وقایع هولناکی، تبدل سلطنتی، زلزله و طاعونی بر او نمی‌گذرد و بالجملة چیزی ندارد که شایسته قید تاریخ باشد خوش‌بخت است. لکن از آنطرف می‌بینیم که همین سکون و آسایش طویل اسباب افسردن خون یک ملت و افراض آن میشود و فی‌الحقیقه بدبختیهای بزرگتری در پی دارد. اطباء قدیم تصور میکردند که هرکس از گاهی بگاهی فصد نکند خون او امتلا پیدا کرده یکباره رگ دماغش میترکد و سگته عارض میشود.

اینک نتیجه بیحرکتی، بیقیدی، بطلت تمتد و «بی‌تاریخی» ایران در هشتاد سال گذشته این اوضاع بدتر از مرگ شده که زبان و قلم از وصف آن عاجز است.

بعد از جنگهای عباس میرزا با روس اولیای ایران بن پروری افتاده ملت را نیز بسز و بطلت کشیدند. سلطنت منحوس ناصرالدین شاه یک

ترتیب تنبی و غفلت مخصوصی را در ایران ترویج کرد که همه مردم از خارجه صرف نظر کرده و بی‌اطلاع شدند. نه از ترقیات دنیا با خبر شدند نه از تدارکات و خیالات دشمنان مملکت اطلاع یافتند. چیزی که رواج گرفت لقب و مستمری بود و مداخل و پیشکش، تیول و تسعیر، تحفیف و مدد معاش، استصوانی، «حقوق» دعاگوئی، محلّ غایب و متوفی، سر‌تپیان بی‌فوج و وزیران بی‌کار، ادارات دولتی بمزایده و هراج گذاشته شد، حکومتها برای مداخل حکام بود، امتیازات از بهترین امته فروش بخارجه بود، فرمان قضا جریانهای معینی داشت، امر قدر قدر قدر و قیمتی نداشت، هرکسی در فکر دخل نامشروع و راه انداختن یک دستگاه نمونه کوچگری از بیونات سلطنتی برای خود بود، هرکدام از چشم و گوش و سر و دم دولت و سلطنت و مملکت اصطبل مخصوص، ناظر و سرایدار مخصوص، آبدارخانه، قهوه‌خانه، کالسکه‌خانه و صندوقخانه داشت و دلش باین خوش بود که سه ساعت از روز بالا آمده خواجه‌سرایان پرده «اندرون» را بلند کنند و حضرت اجل یا اشرف بی‌باغچه پرونی که پر از عارضین و مشتریان لقب و منصب بود بیرون آمده و در میان ولوله احاطه مردم و غلغله تلقات «خاتزاد دعاگورا راحت فرماید» و «یک مشت مخلوق را

الجزایر، مراکش، تونس، سنگال و سایر ممالک اسلامی که در تحت اسارت خارجی هستند روس و انگلیس و فرانسه همراهمیدانهای جنگ فلاندر و پولونی و دادداندل فرستاده خونهایشان را مفت و رایگان برای یک مقصدی که هیچ مربوط بدیشان نیست بلکه بر ضد آمال و مذهب و تاریخ ایشان است می‌زنند.

لاف و گراف و رجز خوانی در دنیای امروزی یک قاز نمی‌ارزد. اگر ما یک ملت اصیل و نجیب هستیم اگر ما احفاد همان اجداد باستانیم که سی چهل سال متادی بر روی زمین اسبان جنگ نموده و دست از سر تیر و قبضه شمشیر برنیداشتنده باید نشان بدهیم و ماهیت خود را بدوست و دشمن بشناسانیم، معنی شرافت غیر از آنست که ما می‌گوئیم. ببینید ما اینجا بر خود می‌بالیم و آنجا عالی بر ما می‌بخندد. پس منتظر چیستیم و برای کدام روز ایستاده‌ایم. اینک آنچه مادی است یعنی مملکت، عرص، ناموس، مال، جان، عیال و اولاد و آنچه معنوی است یعنی دین، مذهب، اسلام، شرف ملی، عزت قومی، افتخار اجدادی و همه چیزمان در شرف زوال است. آیا باز هم کافی نیست؟ یا شاید از مرگ می‌ترسیم و بر جان خود می‌هراسیم؟

شاید بعضیها از حصول مقصد شبهه در دل داشته باشند. ما در این موضوع در شمارهای آینده بطور مبسوط بحث خواهیم نمود و در اینجا فقط می‌گوئیم که بازوی اتفاق حقیقی یک ملت بهیچ وجه خم نمی‌شود و این قوتی است بالای تمام قوی. پس بدون هیچ شبهه و تردید و بی آنکه فرصت فوت شود باید باتفاق تمام دست بکار رد و برق انتقام ملی را برافراشت و وطن و ناموس و شرف خود را استرداد نمود.

در این حرکت ملی مخصوصاً ایرانیانی که در خارجه اقامت داشته‌اند یعنی آنها که ناموسشان در ایران بخاطر افتاده کک بزرگی باردوی (نجات) می‌توانند کرد. باعتماد ما اگر جنبشی روی دهد خود جوانان ایرانی که وضع خارجه را می‌بینند و بدان آشنا هستند افواج و دستجات نظامی بغایت با نظم و ترتیب که نمونه برای افواج داخلی بوده باشد بقدر سی چهل هزار نفر می‌توانند آراست. و اگر با تمام نیت صاف و عزم مردانه این مقصد را از قوه بغل آرند و در تحت مراقبت جوانان مدارس نظامی که تحقیقاً زیاد هستند افواج مخصوص ترتیب بدهند چنان شرف تاریخی می‌توانند حاصل کرد که ابد الدهر از ایشان بیادگار بماند.

نظری باوضاع جنگ

در صف جنگ غربی یعنی خط سرب فرانسه و آلمان این اواخر مرکه گرم میشود و کوشش و جنبش زیاد دیده میشود. در شامپانی و کنار سوم جنگهای سختی واقع شد که حملات آلمانی در آن بکامیابی نتیجه داد و عده عظیمی اسرای فرانسوی بدست افتاد چنانکه در یک کارزار ۱۷ صاحب منصب و هزار و صد سرباز اخیراً گرفتار شدند. زبیلین‌ها باز بکار افتاده‌اند و در دو روز بی در پی ۲۳ و ۲۴ ربیع الأول پاریس را نارنجک‌بانی کردند و خسارت زیاد رسانیدند. هجوم یکماهه روس در حدود بسارابی و سمت

اجدادی خود می‌نشانند، ارواح آن اسلاف بر این اخلاف نفرین و احفاد این اجداد بر روانشان لعن ابدی خواهند فرستاد و تاریخ ایران نیز بواسطه ایشان آخرین صحیفه ننگین خود را نوشته و در کتابخانه آیام برای عبرت دیگران مخلد خواهد داشت.

حقیقت زهی تیره بختی که برای دو روزه زندگی عاریت و دلبستگی بزخارف دنیا ناموس ملی و حریم عصمت و مقبره اجداد را از دست دادن و محوطه اسلام و مشاهد اولیا و مقابر ائمه و شهدارا تسلیم اجانب نمودن و با کردار زشت خویش نام نامی باستانی را لگه عار گذاردن و با نام خویش باعث شرمندگی و سرافکنندگی اخلاف بودن.

فردا که تاریخ این قرن آغاز حیات ابدی چندین ملت مقهور را که در سایه دلیری و شهامت و شناختن موقع فرصت بدرجه ملل حاکمه ارتقا جستند با خطوط زرین نوشته و قصیده حاست آرا برای قرون آتیه خواهد سرود سرانجام ایران کهن را نیز بی فاتحه خبر با یکی دو جمله کوتاه خواهد نوشت که ایرانیان از مرگ گریختند و قبول ذلت کردند و در آن هنگام فرصت که همه میدانستند و می‌توانستند کاری از پیش نبردند و در مقابل مشتق دشمن که فراریان میدان جنگ آلمان و اطریش و ترک و بلغار بودند بشیوه زنان و شیمه نامردان در خانها نشسته و برخویش ترسیدند تا دشمن مغلوب خانه از مرد خالی دیده بتلافی باخته خویش در پولونی رخت اقامت در ایران کند و در آنجا بار فرو افکند.

بلی این است سرنوشت ایران و این است بطور حتم سرانجام دلسوز دولت کیان و ساسان اگر ایرانیان بدون درنگ دست بکار زنند و به (اردوی نجات ملی) بنیوندند. هنوز بکلی کار از کار نگذشته و یک فرصت فقط باقی است یک شبست آخرین باید کرد و قدمی فراتر گذاشت یا مرگ یا زندگی ابد، چه خوش گوید اورنگ:

چند بیاید بهجر سوختن و ساختن
زین پس باید ز کار پرده برانداختن
یا زلب لعل دوست راحت جان یافتن
یا بسرکوی او نقد روان باختن

امروز روز فداکاری و اقدام بوظیفه وطنی است، مردم ایران باید قدر این چند ساعت آخری را بطوریکه باید ملتفت شده و هرکس بوظیفه که تکلیف اوست بشتابد کار و کسب و شغل و منصب را تا مدتی یکسو گذارد و بداند که پس از رفتن ایران و افتادن آن بدست روس و انگلیس کسب و تجارت و شغل و منصب بهنیم جو نیرزد و کسی را اختیار جان و مال و اولاد و عیال بدست نخواهد بود. آنوقت برای سربازی رفتن به سیر را فرقی میانه غنی و فقیر نمیگذارند، بر تجارت گذشت نمیکنند، بر کسبه رحم نمیآورند، صاحبان القاب و عناوین را نمی‌بخشند، شمشه الملک و دبدبه الدوله را از آحاد ناس امتیاز نمیدهند، قزاقان روس و سواریان انگلیس حرمت و تعظیم نمی‌فهمند و نور دو چشم شمارا پیش چشم شما از کنار پدر و آغوش مادر کشیده نمیدانم در کدامین نقطه دنیا برای مقاصد خصوصی خودشان جلو گولاه و باران آتش می‌فرستند. دلیل می‌خواهید اینک جوانان هند، مصر، ترکستان، قفقاز،

نیز نشر نخواهد کرد. ولی جراید عموماً تلفات متفقین را در ظرف این یازده ماهه جنگ با عثمانی ۲۵۰۰۰۰ نفر می‌نویسند. و این رقم البته خیلی نزدیک بصواب است چه فقط تلفات بری انگلیس از ۲۵ آوریل الی ۹ دسامبر بصریح خبر رسمی انگلیس قریب ۱۱۵۰۰۰۰ نفر است از اینقرار:

کشته	مجروح	«مفقود»	مجموع
۱۰۶۶۷	۳۰۰۲۸	۳۵۰	۵۰۰۴۵
۲۴۰۵۳۵	۷۲۰۷۸۱	۱۲۰۱۹۴	۱۰۹۰۵۱۰
			۱۱۴۰۵۵۵

بر این مبلغ باید افزود اولاً تلفات یکماهه اخیر از ۹ دسامبر تا ۹ ژانویه را که تقریباً ۱۴۰۰۰۰ نفر است (حاصل قسمت ۱۱۵۰۰۰۰ بر ۸ ماه و نیم)، و ثانیاً تلفات بحری انگلیس را در داردائل که در رقم فوق مندرج نیست، و با ملاحظه اینکه پنج «کویراسه» بزرگ انگلیس و عده از کشتیهای دیگر با اغلب قشون و عملیات آن غرق شده اند اگر تلفات بحری انگلیس را هم لااقل شش هفت هزار نفر فرض کنیم مجموع تلفات دولت مذکور بطور متیقن میشود قریب ۱۳۵۰۰۰۰ نفر.

تلفات فرانسه را نیز اگر باندازه تلفات انگلیس یا قدری هم کمتر از آن فرض کنیم مجموع تلفات فریقین خواهد شد مابین ۲۵۰۰۰۰۰ و ۲۷۰۰۰۰۰ نفر، یعنی قریب نصف مجموع قشونی که متفقین در عرض مدت این نه ماهه در گالیولی پیاده کردند چه عده آنها بیانصد هزار نفر هم رسید. قطع نظر از عده کثیر از مستخدمین کشوری و رؤساء ادارات که در عقب قشون منتظر فتح اسلامبول بودند تا فوراً داخل شهر شده نظم ادارات آنرا بدست گیرند زیرا که متفقین باندازه در فتح اسلامبول یقین داشتند که محلات آنرا قبلاً بین خود تقسیم کرده بودند و مستخدمین بسیار برای اداره دوایر دولتی و بلدی و پست و تلگراف و غیرها همراه قشون آورده بودند که بدبختانه مجبور شده دوباره آنها را بار کرده بجانهای خود خالی کردند! و حسرت فتح اسلامبول بدل ایشان ماند و آرزوی تبدیل ایا صوفیه را بکلیسا نمی بگور بردند و نیسی دیگر باوظان خود.

کشتیهای ذیل نیز از متفقین غرق شده است:

از انگلیس: «کویراسه» های ایرره زیستیل (۱۵۰۰۰۰ تون) در حمله معروف ۱۸ مارس، اوسان (۱۲۰۹۵۰ تون) ۱۸ مارس، گولیات Goliath (۱۳۰۸۵۰ تون) در ۱۱ مه بتوسط یک کویتر توریتور عثمانی، تریومف Triumph (۱۲۰۰۰۰ تون) در ۲۵ مه بتوسط یک کشتی تحت البحری آلمانی، ماجستیک Majestic (۱۴۰۹۰۰ تون) در ۲۷ مه بهمان علت - و تحت البحریهای E-15 در ۱۷ آوریل، AE-2 در ۳۰ آوریل، E-7 در ۴ سپتامبر.

از فرانسه: «کویراسه» بووه Bouvet (۱۲۰۲۰۰ تون) ۱۸ مارس، و تحت البحریهای سافیر Saphir در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۵ و ماریوت Mariotte در ۲۶ ژوئیه.

بوکوتینا که با تمام قوت خود بشدت هرچه تمامتر اجرا کردند مانند موج بسنگ خورد و در جلو سد آهنین اتریشی و آلمانی شکست. غرض عمده از این حملات بی در پی سیاسی و منظور دول ائتلاف تحریک رومانی بجنب و التحاق او بمجودشان بود. لکن رومانی که عاقبت سربستان و کوه سیاه را در همسایگی خود دید مشکل آتقدر کور باشد که بریسان پوسیده روسی بیجا بیفتد. از اهم مواضع اخیره تسلیم کوه سیاه و متارکاش با اتریش است. قشون کوه سیاه اسلحه خود را تسلیم میکند و اتریشها تا بحال ۳۱۴ توپ و ۵۰۰۰۰ تفنگ تسلیم گرفته اند و مذاکره صلح جاری است. اتریشها بعد از این متارکه اسکوتاری (اشقودره) قلعه مهم آلبانی را نیز گرفته و پیش رفتند. سانژیوانی دی مدوا و درازو (دراج) و آلیسی را نیز تصرف کردند. بلغاریان نیز رو به والونه که در دست ایتالی است میروند و البانان را گرفته اند. قشون ایتالی در البانی از همه جا عقب میروند و فقط میخواید والونه را مدافعه بکنند (اگر بتوانند).

بواسطه آزاد شدن قشون عثمانی در داردائل عده زیادی بقویت صفوف جنگی دیگر میروند. در طرف قفقاز عثمانیها در سمت آذربایجان یعنی خاک ایران پیشرفت زیادی کرده اند. روسها هم در سمت ارضروم قدری پیشرفت دارند. در عراق عرب کوت العماره هنوز در محاصره باقی است و قوای امدادی انگلیسی (چنانکه در مقاله جداگانه شرح داده شده) نتوانسته است کاری بکنند. در سرحد غربی مصر سنوسیه های غیور انگلیسها را بجان آورده اند و جنگ سختی برپاست.

انگلیس و فرانسه در سلانیک منتظر دفاع خود نشسته و هر روز یک قطعه خاک یونان را تصرف میکنند.

در ایران جنگهای مهمی در میان کرمانشاه و همدان جاری است کنگاور و اسدآباد را سلحشوران ایرانی و عثمانی از روسها بجمه پس گرفتند. صف جنگ حالیه از سنقر و کنگاور تا نهاوند است. در طرف فارس قوام الملک و طرفداران او یعنی اتباع شیطان که ظاهراً برای حکومت طهران و بحقیقت برای انگلیسان کار میکنند از اردوی جهاد ملی شکست خورده اند. بنا بر اخبار روسی قوای ایرانی سلطان آباد عراق را تخلیه کرده و بجانب روجرد رفته اند. دولت طهران و کدخدایان محله دولت و نشیندگان شمس العماره و قصرابض نیز دلخوش اند که قشون روس در ایران بقول جرائد روس «قدرت و حکمرانی» شاه را در ولایات اعاده میکند و ایران را از دست آلمان و عثمانی نجات میدهد و «متردین از اوامر قانونی دولت را سرکوب می نماید»!

داردائل

تلفات متفقین - غنائم عثمانی

تلفات فرانسه و انگلیس در داردائل البته معلوم نخواهد شد مگر بعد از جنگ چه دولت فرانسه احصائیه تلفات خود را در هیچ یک از میدانهای حرب تاکنون نشر نکرده است و قطعاً تا بعد از اتمام جنگ

و غیره تلف آهت اوست که در قمر آبهای داردانل و در زیر چکهای سربازان شجاع ترک الی الأبد مدفون شد!
باری برای نمونه از اینکه رفتن انگلیس از شبه جزیره گالیولی از قیل «مارا از مدرسه بیرون رفیم» میبشد نقل یک فقره از غنایمی که عثمانها در انافارطه و آری برونی و سدالبحر بدست آورده‌اند از روی خبر رسمی ایشان کافی است:

غنایم انافارطه و آری برونی

توپ	۱۰	۲۰۸۵۰	خیمه
تفنگ و سرنیزه	۲۰۰۰۰	۱۸۵	تابوت مرضی
خیمه (ابوز)	۸۰۷۵۰	۲۱۰۰۰۰	قوطی اغذیه (کونسرو)
صندوق ذخایر حریبه	۴۵۰۰۰	۵۰۰۰۰	جوال غله
ماشین بمب انداز	۱۳	۱۲۰۰۰۰	بیل و کلنگ
بمب	۴۵۰۰۰۰		و مقداری کثیر بزین و نطف و روپوش
گاری دخیره	۱۶۰		و لباس و آلات تطهیر و تصفیه آب
کالسکه با لوازم آن	۶۱		و غیرها و غیرها.
قایق و پل کشتی	۶۷		

غنایم سدالبحر

توپ	۱۵	چندین صندوق دواجات
مقداری کثیر مهمات		۵۰۰۰۰۰ روپوش پشی
چند صد صندوق ذخیره		مقدار عظیمی قوطی «کونسرو»
گاری و کالسکه	۲۰۰۰۰	چندین هزار خروار جو و دوسر
چندین اوتومیل و دو چرخه و موتوسیکلت		مقداری کثیر حیوانات
مقداری عظیم ادوات و آلات هندسی		و قیمت این غنایم سدالبحر قدر
خیمه و مریضخانه‌های سیار	۲۰۰	اقل بدو میلیون لیره تخمین شده است

و بدیهی است که اگر متفقین خود باختیار خود در کمال آرامی و آسودگی چنانکه می‌خواهند بیاوراند از گالیولی بیرون میرفتند البته این همه غنایم را یا با خود می‌بردند یا آنها را آتش میزدند یا بدریا می‌ریختند که بدست دشمن نیفتد.

شکست جدید انگلیس

در عراق

بعد از آنکه در اواخر ماه نوامبر گذشته ژنرال توتسهند انگلیسی با یک «دیویزیون» قشون که تقریباً عبارت از ۲۰ هزار نفر است بجای فتح بغداد تا خرابهای طیسفون پای تخت قدیم ساسانیان (مداین) و حوالی طاق کسری و مقبره سلیمان فارسی رضی الله عنه مشهور به «سلیمان پاک» رسیده و در آنجا فجأة با عده عظیمی از قشون عثمانی مصادم شده آن

بعلاوه چند کشتی جنگی که اگرچه غرق نشدند ولی باندازه خسارت بدانها رسیده که از کار افتادند مانند گولوا و سوفرن دو «کوراسه» فرانسوی و افهله کریبل «کوراسه» انگلیسی، و نیز بسیاری از کشتیهای نقلیه و بارکش و زغال‌کش و مخرب و ضد مخرب و «مین» گذار و «مین» جمع‌کن و غیرها که غرق شده‌اند ولی جدولی عجماله از آنها بدست نیست.
خارج متفقین در لشکرکشی داردانل متجاوز از شش میلیارد فرانک شده است.

غنایم عثمانی - اخبار رسمی فرانسه و انگلیس و جراید ایشان سی می‌کنند که گوشه‌ها را برکنند که تخلیه داردانل از طرف قشون ایشان بالطبع والاختیار من دون الاکراه و الاجبار بوده است. «تایمس» مورخه ۱۰ ژانویه این تخلیه داردانل را یکی از اعمال عظام و قوتات بزرگ قشون انگلیس فرض می‌کند که در تاریخ عملیات حربی نظیر آن دیده و شنیده نشده است، و میگوید که «این قشون درخشنده با شکوه (۱) که سربلندترین و با فخرترین شرفی بر شرفهای قشون ما افزودند و اولین شاخه‌های درخت فتح را در یک جنگ اروپائی برای خود چیدند (۱؟) حالا برای نقاط دیگر خدمتشان بکار خواهد خورد و هیچ خدمتی درخشنده‌تر از آنچه ایشان [در داردانل] کردند نیست (۱)» و بعضی از جراید وقاحت را بدرجه رسانیده که بدولت انگلیس پیشنهاد کرده‌اند که برای ژنرال مونرو و سایر سردارانی که بدین جلادت از عهده این عمل عظیم برآمده نشانهای مخصوص از طرف حکومت داده شود که در خانواده‌های ایشان ابا عن جد یادگار این شرف منبع و مجد رفیع باقی بماند تا بعد از این اخلاف ایشان بمخاطره‌های خود بیاورند که اسلاف ایشان در ۹ ژانویه ۱۹۱۶ عار را بر نار و تنگ را بر نام ترجیح داده چند صد هزار قشون دو دولت از اعظم دول روی زمین نام دول خود را تنگ عالم کرده از مقابل قشون ترک با کمال بی‌شرفی فرار کردند. بلی نشان برای سردارهای مذکور جز این معنی دیگری نخواهد داشت و بیزگیهای جراید تفاق هم دیگر هیچکس را گول نخواهد زد دیگر کار از پرده‌پوشی گذشته است، طشت رسوائی متفقین از بام افتاد و کوس رسوائی آنها را بر سر بازارهای تمام عالم زده‌اند.

اگر کسی در اوایل جنگ در انگلستان میگفت که انگلیسان باید فخر کنند باینکه ژنرالهای ایشان بتوانند از داردانل با کمال مهارت فرار کنند آن شخص را مردم فوراً سنگسار میکردند و حالا کار بجائی رسیده است که همان مردم از عین همان واقعه شادمانی میکنند و جراید برای آن ژنرالها نشان افتخار میطلبند! فی‌الواقع روزگار خیلی تغییر کرده است! بیچاره آلیون مکار مشتش باز شده است دیگر مکر و حیلهاش کارگر نیست، دیگر خایش رنگی ندارد، دیگر کسی «بیزره» لای پالانش نمیگذارد. شیر بریتانی پیر شده است دیگر شکار نمیتواند بگیرد، مثلی معروف است که «شیر که پیر شد . . .» - بھول یکی از جراید بالاترین تلفات انگلیس در داردانل خیلی سنگین‌تر از شش میلیارد پول و ۲۵۰ هزار نفوس و چقدر کشتی

قشون دشمن برای دفن اموات خودشان از ما درخواست کرد عطا کردیم. اسرای دشمن میگویند که بلاوه تلفات این جنگ انگلیسها در جنگهای سابق نزدیک قصبه شیخ سید باز سه هزار کشته و مجروح داشتند. ابلاغیه رسمی انگلیس - موضوع این جنگ خوشمزه است. مضمونش بطور اختصار این است:

«ژنرال المر در ۲۱ ژانویه بر مواقع عثمانی حمله کرد. جنگ در تمام روز امتداد داشت با پیشرفتهای مختلف از طرفین. هوا بسیار بد و بارانی است. تلفات از طرفین بسیار سنگین است. یک متارکه چند ساعته با دشمن بسته شد برای حمل مجروحین و دفن اموات. در عرض ۴ ساعت اخیر دجله در کوت العماره هفت قدم و در عماره دو قدم و نیم بالا آمده است.»

برای کسی که عادت بخواندن و فهمیدن ابلاغیههای انگلیس داشته باشد و بقول فرانسها بتواند بین السطور را بخواند واضح است که این ابلاغیه اقرار بشکست است. تلگراف کننده این راپورت سرگردان است که چه خبر بدهد. چون نمیخواهد بگوید تلفات ما سنگین است میگوید «تلفات از طرفین بسیار سنگین است» و چون پیشرفت عثمانی را نمیخواهد اقرار بکند میگوید «با پیشرفتهای مختلف از طرفین». گاه از بد بودن هوا و باران خبر میدهد و گاه با یک تدقیق هندسی از سه هزار کیلومتر راه بالا آمدن دجله را در یکجا شش قدم و در جای دیگر سه قدم و نیم تلگراف میکند. ولی بعادت معهود هیچ نمیگوید که «ما دشمن را شکست فاحش دادیم» یا «حملات ایشان را رد کردیم» یا «عقب نشاندیم» و نحو ذلک. و واضح است که اگر ادنی پیشرفتی ممکن بود برای خود فرض کنند البته از ذکر آن بتعین اقدام طغیان دجله بعد صبح و کسر نمی برداختند. و تائیس عین این ابلاغیه عثمانی را نقل میکند بدون هیچ تکذیبی یا تردیدی.

خورشید سرخ

بنا بر خبری که در جرائد آلمان چند روز قبل انتشار یافت سردار اسعد بختیاری یک انجمنی بنام «خورشید سرخ» برای ادای تکالیف و کارهایی که در فرنگ «چلیای سرخ» و در عثمانی «هلال سرخ» متعهد آنهاست تشکیل داده است که در جنگ ایرانیان با دشمنان خود پرستاری مجروحین و صدمه دیدهها مواظبت کند. این خبر اگر صحیح باشد بسیار خوش و مایه امتنان است چه این کار نیز یکی از اهم لوازم پیشرفت کار جنگ است. بعضی از اطبای بزرگ آلمان بواسطه این خبر منتشر در روزنامهها بحیال افتاده اند که هیئت از اطبا و زنان پرستار «خواهران» تشکیل داده بایران بفرستند که بهیئت «خورشید سرخ» کمک کنند. امید که این کار خیر زودتر انجام گیرد و مبلتی دوا و لوازم طبابت و عتقه اطبا و پرستاران بمیدان جنگ ایرانی برسند.

شکست فاحش کذائی را خورد که باقرار خود انگلیسها در خبر رسمیشان پنجهزار کشته و مجروح خسارت بدیشان وارد آمد و تار و پود لشکرشان بکلی در هم گسیخت جمیع آن قشون فرار را بر قرار اختیار کرده با متهی درجه سرعت از جلو قشون عثمانی گریخته بطوری که شبانه روزی هشت فرسخ راه مجبور شدند طی کنند و قشون عثمانی نیز بهمان درجه سرعت ایشان را تعاقب نمودند و بدین طریق ژنرال تونسنند با پای پیاده ۲۵ فرسخ راه پیموده با بقبه السیف قشون خود در عرض سه شبانه روز خود را بکوت العماره (که قصبه ایست واقع در سی فرسخ تقریباً در جنوب شرقی بغداد بر ساحل یسار دجله و انگلیسان آترا در اواخر ماه سپتامبر گذشته گرفته و استحکامات زیادی در آن بعمل آورده و آترا قلممانندی ساخته بودند) رسانیده در آنجا متحصن شد. قشون عثمانی بلا تأخیر یا بیای ایشان رسیده در هشتم دسامبر کت العماره را بمباردیان نموده شروع بمحاصره آن کردند و در دجله بعضی کشتیهای کهنه غرق کرده تا انگلیسان از راه دریا نتوانند بمحصورین مدد برسانند و از طرفین دجله مشغول تهیه آلات حصار گشتند و تا امام علیّی الغریب واقع در شش فرسخی در مشرق کت العماره متصرف شدند. از آروز یعنی از ۸ دسامبر تا کنون بیش از پنجاه روز است که ژنرال تونسنند یا قریب ۱۲۰,۰۰۰ نفر قشون خود در کت العماره محصورند و از هیچ طرف مددی و کمکی بآنها نمیرسد و امید است که عنقریب جمیع ایشان بچنگ قشون عثمانی بیفتند.

دولت انگلیس که طبعاً از طول مدت حصار و نتیجه وخیمه که برای محصورین حس میکند مضطرب شده است فرمان داد تا ژنرال المر (Aylmer) که مابین کت العماره و عماره بوده است با قشون زیاد بکمک محصورین بشتابد. ژنرال المر از خط دجله بالا آمده در دو سه نقطه در مغرب امام علیّی الغریب با پیش قراولان عثمانی مصادف شده چند مرتبه زد و خورد مختصری بین ایشان واقع شد. تا در ۲۱ ژانویه در منتهی (۴) ۳۵ کیلومتر در مشرق کت العماره قشون ژنرال المر با قشون عثمانی مصادم شده جنگ بسیار سختی واقع شد که شش ساعت تمام طول کشید و بالأخره ظفر نصیب عساکر منصوره اسلام گردیده دشمن شکست فاحش خورده چندین کیلومتر عقب نشست و ۳,۰۰۰ نفر انگلیسان را عثمانیان در میدان حرب شمرند. این است عین ابلاغیه عثمانی:

اسلامبول ۲۳ ژانویه - «در جبهه عراق جنگهای محلی در اطراف کت العماره امتداد دارد. قوای انگلیسی که از طرف امام علیّی الغریب میآمدند در ۲۱ ژانویه (۱۵ ربیع الاول) در زیر حمایت کشتیهای توپدار نزدیک منتهی (۴) تقریباً در ۳۵ کیلومتری [در مشرق] کت العماره از هر دو طرف دجله بر مواقع ما حمله کردند. جنگ شش ساعت طول کشید. جمیع حملههای دشمن بواسطه حملات جوابیه ما رد شد. دشمن چندین کیلومتر بطرف مشرق عقب زده شد. در میدان جنگ ما سه هزار نفر دشمن را شمریم. ما یک کاپیتان و چند سرباز اسیر گرفتیم. تلفات ما نسبتاً کم است. یک متارکه یک روزه که ژنرال المر سر کرده

ورود کمیته دفاع ملی بکرمانشاه

هیئت از وطن پرستان حقیقی و کارا گمان سیاست که پس از حمله روسها بطرف طهران و تسلیم دولت ایران تهدیدات روس و انگلیس از طهران هجرت اختیار نموده و در شهر قم اجتماع کردند در آنجا یک کمیته بنام دفاع ملی تشکیل دادند که شامل بهترین نمایندگان ایران و سی و چهار نفر از وکلای مجلس شورای بود. همه ولایات آزاد ایران که در زیر فشار قشون روس و انگلیس نبودند دعوت این هیئت مرکزی را بجهاد ملی و برداشتن سلاح بر ضد دشمنان ایران اجابت نموده و اظهار اتحاد و اطاعت کردند و از قم مشغول اداره امور دفاع ملی در همه ایران بودند. تا آنکه روسها بقم حمله آوردند و پس از جنگ سختی در قرب ساوه میلیون صلاح را در تخریب قم دیده و بجانب عراق عقب نشستند. اینک بموجب اخبار اخیره بحمد الله هیئت محترم مزبور سالماً بصبحه و کرامت شاه مرکز غربی ملتیان ایران رسیده و بدوستان خود و جان نثاران وطن و آقای نظام السلطنه پیوستند. اسامی بعضی از افراد کمیته دفاع ملی که بسلامت وارد اردو شده اند از این قرار است:

نواب والا شاهزاده سلیمان میرزا وکیل اصفهان در مجلس شورای ملی. آقا سید محمد رضای شیرازی معروف بمساوات وکیل طهران. آقای وحید الملک وکیل طهران. آقا سید عبد الرحیم خلخالی از پیشروان فرقه دموکرات. آقای میرزا سلیمان خان معاون وزارت داخله. آقا میرزا محمد علیخان کلوب وکیل همدان. آقا سید جلیل اردبیلی از پیشروان دموکرات، آقا میرزا شمس الدین خان فطن الملک، آقای حاجی سید ابو الحسن علوی، آقای آقا شیخ رضای دهخوارقانی وکیل طهران، آقای آقا سید حسین کزازی وکیل کرامت، آقای حاجی محمد تقی شاهرودی از تجار درجه اول طهران، آقای حاجی محمد باقر کاشی از تجار طهران، آقای نظام السلطان وکیل مازندران، آقا شیخ محمد حسین استرآبادی از وکلا، آقای ناصر الاسلام گیلانی وکیل گیلان، آقای میرزا محمد صادق طباطبائی وکیل طهران، آقا سید حسن مدرس وکیل طهران، آقای حاجی میرزا علی محمد از علمای طهران، آقا سید فاضل شاهرودی وکیل شاهرود، آقای ادیب السلطنه وکیل رشت، آقای حاجی عز الممالک وکیل کردستان، آقا میرزا اورنگ خان یزدی، آقای مشار الدوله و شیراز، آقای ضیاء السلطان، آقای خان بابا خان.

غنائم آلمان

بمقتضای یک احصائیه جدیدی که اخیراً در آلمان نشر شده است غنائم آلمان در ظرف ۱۸ ماه جنگ از قرار ذیل است:
یک میلیون و ۲۱۰۹۷۱ اسیر که فعلاً در داخل مملکت آلمان محبوس اند. عده عظیمی از اسرا که در میدان شرقی بدست افتاده ولی بواسطه

بعد مسافت و صعوبت نقل و تحویل باتریش واگذار شده اند در این رقم مندرج نیست.

نه هزار و شصت و دو توپ، ۷۰۷۰۰ عرابه مهمات و ذخیره و غیره. یک میلیون و ۳۰۰۰۰۰ تفنگ. ۳۰۰۰۰۰ مینا توپ.

این ارقام فقط غنائمی را حاکی است که در داخل مملکت آلمان بقصد موجود است و الا عده مجموع توپها و تفنگها و مخصوصاً مینا توپها که بچنگ لشکر آلمان افتاده خیلی بیش از ارقام مذکور است چه اغلب اوقات قشون آلمان بعد از غنیمت گرفتن اسلحه فوراً خود آنها را در مقابل دشمن بکار انداخته اند بدون آنکه آنها را بداخل آلمان بفرستند.

جنگ بحری

در ۸ فوریه یک کشتی جنگی فرانسه موسوم به «آمرال شارنه» (Amiral-Charner) بطرفیت ۲۰۶۸۰ تون (تقریباً ۱۰۴۰۰ خروار) در سواحل بیروت بتوسط یک کشتی آلمان در عرض دو دقیقه غرق شد و اغلب یا بلکه جمیع اجزاء آن که قریب ۴۰۰ نفر بودند نیز غرق شدند.

در شب ۱۱ فوریه یک کشتی جنگی انگلیسی موسوم به «آرابیس» (Arabis) در دریای شمال نزدیک سواحل شرقی انگلیس بتوسط یک کشتی مجرب آلمان با اغلب عملجات آن غرق گردید.

بعلاوه «آرابیس» در همان چند روزه دو کشتی جنگی دیگر انگلیسی یکی موسوم به «کارولین» (Caroline) و دیگری موسوم به «آرتوزا» (Arctusa) و دو کشتی تجاری انگلیسی یکی «آنگولا» (Angola) بطرفیت ۴۰۹۶۲ تون یا قریب ۱۰۵۰۰ خروار و دیگری «سپرینگول» (Springwell) هم غرق شده اند.

«خیانت» عربها

تا بمس در تحت عنوان فوق خبر رسمی ذیل را نشر میدهد:
یک دسته از قشون کثافته انگلیس از نصیریة (واقع بر ساحل فرات) بطرف شط الحتی (نهری است واقع بین نصیریة و کوت العماره و در دجله میریزد) برای کسب اطلاع از وجود قشون عثمانی در جنوب کوت العماره حرکت نمود. در مراجعت جمعی کثیر از عربها بر قشون مزبور حمله نمودند. تلفات ما (انگلیسان) ۳۷۳ نفر و تلفات عربها بیش از ۳۰۰ نفر بود.

تصحیح

در شماره اول صفحه ۶ ستون اول سطر ۶ باخر مانده در تاریخ جنگ قریب بجای ۱۸۵۴ سهواً ۱۸۵۸ طبع شده و صحیح اولی است. — در شماره دوم صفحه ۵ ستون ۱ سطر ۱۰ درازو (درج) سهواً جزو بلاد مفتوحه نوشته شده و در حقیقت اگرچه قشون اطرش بنزدیکی آن شهر رسیده و محتمل است عقرب آنرا فتح کند ولی هنوز فتح نشده است.

اعتذار

بواسطه غلطی که خارج از اختیار ما بود این شماره هم یک هفته تاخیر افتاد و هم در ۴ صفحه بجای ۸ صفحه منتشر شد. خوانندگان محترم خود ملتفت خواهند شد.